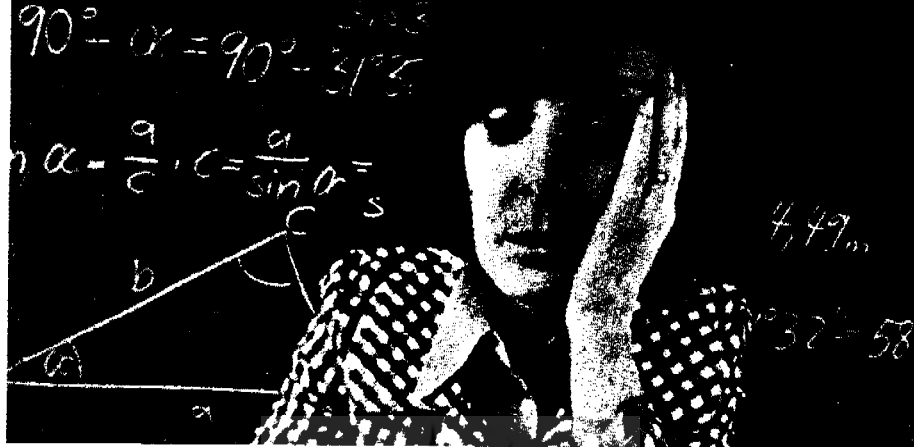


در شماره قبل مکتب مام ، بطور اختصار اشاره کردیم که زیر بنای واقعی رستاخیز ملی ، رستاخیز تربیتی است که باید از کانون خانواده شروع و تا صحنه اجتماع ادامه یابد تا افرادی آزاد ، متکی به خود و با استقلال رای به جامعه تحویل گردد ، افرادی که بتوانند در صحنه رستاخیز ملت ایران ، سوئر ، قاطع و سدید باشند و با ذکر این مقدمه به این نتیجه رسیدیم که باید روشهای تربیتی در خانواده ها ، مدارس ، دبیرستانها ، دانشگاهها و حتی سازمانها و مؤسسات ملی و دولتی دگرگون شود و بر پایه دموکراسی واقعی که هدف از آن مشارکت آگاهانه و فعال عموم مردم در طرحها ، برنامه ها و فعالیت های اجتماعی ، فرهنگی ، خانوادگی ، اقتصادی و سیاسی است پایه گذاری شود .

یادآور شدیم که در چندساله اخیر با همه تغییرات و تحولات چشمگیر در کمیت و کیفیت آموزش و پرورش ، روشهای تربیتی بهمان صورت کهنه و فرسوده گذشته باقی مانده است و تا کید کردیم که پیروزی قطعی و حتمی در رستاخیز بزرگ اجتماعی ملت ایران سوکول به تجدید نظر در روشهای تربیتی در خانه و مدرسه و رعایت اصول دموکراسی در روابط بین والدین و دانش آموزان ، مربیان و شاگردان و بالاخره استادان و دانشجویان

است . پس از انتشار این مقاله عمده ای از علاقمندان سراجعه کردند و از کیفیت اجرای اصول دموکراسی در خانه و مدرسه سثوالاتی کردند که جوابگویی به آنچه که جنبه عمومی داشته است شاید برای خوانندگان محترم مکتب مام سودمند باشد . بعضی ها تصویری کنند دموکراسی همان انجام گسیختگی و آزادی بی قید و شرط و تجویز هر نوع عملی است که شخص به دلخواه خود در خانه ، مدرسه یا اجتماع انجام دهد . قبل از هر چیز باید یادآور شد که این نوع آزادی که مترادف با بی بندوباری و هرج و مرج است در هیچیک از جوامع بشری از آغاز تمدن تا کنون مطلوب نبوده و حتی وجود خارجی هم نداشته است ، بنابراین دموکراسی را نباید با هرج و مرج و بی بند و باری اشتباه کرد . هدف از دموکراسی آنست که افراد هر جامعه ، درجه و فهم و درک و شعور اجتماعی که دارند ، آگاهانه و آزادانه ، نه از روی اکراه و اجبار ، در اداره امور مربوط به خود مشارکت داشته باشند . بطوریکه این مشارکت موجب تقسیم مسئولیت ، بهبود و پیشرفت کارها و ایجاد شخصیت اجتماعی برای مشارکت کننده بشود بدیهی است نوع این مشارکت با توجه به شخصیت فرد و هویت اجتماعی او قضاوت



و خود پرستی را فدای آسایش و بهزیستی دیگران نمایند. اغلب مربیان مدارس از کلمه دموکراسی و آزادی وحشت دارند و می‌گویند پس تکلیف مقررات و آئین نامه‌ها چه میشود مگر می‌توان کارهای مدرسه را به کودکان ناقص‌العقل واگذار کرد؟

اولا باید یادآور شد که کلیه آئین نامه‌ها و مقررات برای رفاه حال کودکان و بهبود روشهای آموزش و پرورش آنان وضع شده‌است و اگر جز این باشد باید همه را دور ریخت و آنکهی این مقررات را چه کسانی وضع کرده‌اند و با چه شرایطی: اگر این شرایط تغییر کند و ضرورت زمان و مکان ایجاب نماید مسلما باید آنها را تغییر داد. مگر نه‌آست که هنوز آئین نامه انضباطی مدارس می‌گوید: سوی سر دانش آموزان پسر باید کوتاه باشد، و برای اجرای همین ماده سالها بین خانواده‌ها و اولیاء مدارس کشمکش برقرار بود و امروز این ماده هنوز بقوت خود باقی است اما ضمانت اجرایی خود را از دست داده است و ما می‌بینیم که سوی سر دانش آموزان پسر بعضی اوقات بلندتر و چین و شکن دارتر از سوی سر دانش آموزان دختر شده است. بنابراین در چارچوب همین مقررات موجود هم می‌توان وسایل مشارکت نو آموزان و دانش آموزان و

می‌کند، از کودک هفت ساله نمیتوان انتظار داشت مسئولیت خرید مایحتاج خانواده را برعهده گیرد، اما می‌توان به او فهمانید که از پراکندگی اسباب بازیهای خود در اتاق پذیرائی یا اتاق کار پدرش خودداری کند و به این ترتیب درسبک کردن نارکدبانوی خانه مشارکت داشته باشد. بهمین ترتیب انتظاراتی که از نوآموزان مدرسه ابتدائی در حد مشارکت داریم غیر از توقعات ما از دانشجویان دانشگاه و یا کارکنان اداری یک سازمان بزرگ تولیدی است. وقتی صحبت از آموزش دموکراسی می‌شود بهیچوجه آن نیست که کودک را به حال خود واگذاریم که در منزل یا مدرسه هرکاری را که خواست انجام دهد. دموکراسی عبارتست از رعایت نظم و ترتیب، احترام به اصول و قواعد اجتماعی و اخلاقی و بالاخره همزیستی مسالمت آمیز با افرادی که در زیر یک سقف یا در داخل یک کلاس و یا در محیط یک مدرسه جمع شده‌اند. این کار مستلزم آموزش و تمرین و آگاهی و از خودگذشتگی است زیرا از همان آغاز کار باید به کودکان آموخته شود که برای زندگی در اجتماع چه بسا ناکزیرند از منافع فردی و شخصی خود به نفع دیگران چشم‌پوشی کنند و خودخواهی



نعاونی، انجمنهای مختمی که در زمینه‌های گوناگون از قبیل ورزش، سخنرانی، هنرهای دستی، نمایش و انواع مسابقات و سرگرمیها می‌توانند فعالیت داشته باشند گسترش داد. امروزه در کشورهای پیشرفته جهان



دانشجویان را فراهم کرد، مسلماً کودک یا نوجوان یا فردی که مشاهده کند اولیاء مدرسه برای او شخصیتی قائل شده‌اند و مسئولیتی ولو بسیار کوچک به او واگذار کرده‌اند سعی خواهد کرد این کار را تا حد امکان خوب انجام دهد تا شخصیت خود را حفظ کند. از این قبیل مسئولیت‌ها در مدارس بسیار زیاد است باید افراد را از همان کودکی به حقوق و وظایف اجتماعی بطور عملی آشنا ساخت و بتدریج مسئولیت‌های کوچک را به او واگذار نمود تا به قبول مسئولیت خوگرد و توجه و علاقمندی به انجام دادن کارهای اجتماعی جزء عادات او شود تا بتواند در جامعه نیز فردی مفید و موثر باشد.

مسلماً بر طبق آئین‌نامه مدارس، معلم در داخل کلاس درس مسئول و فعال مایست است و موظف است بر طبق تعالیم که دیده است و تجربیاتی که دارد کلاس را اداره نماید و اطفال ناگزیر به تبعیت از دستورات او هستند اما یک معلم علاقمند و دموکرات برای حسن اجرای وظایف سنگینی که بعهدہ دارد و برای جلب مشارکت شاگردان خود با استفاده از اطلاعاتی که در مورد توانائیها، علائق و انگیزه‌های هر کدام دارد از نیروی فردی و جمعی آنان در راه به نمر رسانیدن کوششهای خود استفاده می‌کند. مثلاً در تزیین کلاس، نظافت، حفاظت و مسائل آموزشی، جمع‌آوری نمونه‌ها، کمک به شاگردان ضعیف، رسیدگی به حضور و غیاب، فراهم ساختن وسائل کار و دهها مسئله دیگر می‌تواند از شاگردان خود استفاده کند، پایه عبارت دیگر همکاری و اشتراك مساعی آنان را برانگیزد، بدیهی است با توجه به سطح کلاس و میزان توانائی شاگردان می‌توان کسارها و مسئولیت‌های بزرگتری را به آنان واگذار کرد و دامنه این مشارکت را تا امور انتظامی و تغذیه، شرکتهای

رواج کامل دارد و به فراز تعلیم و تربیت تنها انباشتن ذهن و حافظه دانش‌آموز از مشتی معلومات نظری و غیر مفید نیست بلکه هدف آنست که ضمن تحصیل علوم نظری با واقعیت های خارج از محیط درس نیز آشنا شود ، بنابراین اهمیت فعالیت‌های خارج از کلاس درس در سطح همان کوششهایی است که دانش‌آموزان برای حفظ کردن تاریخ و جغرافیا و فرمولها و دستورات فیزیک انجام می‌دهند .

بنابراین اگر تعلیم و تربیت را بقول دیوئی قسمتی از زندگی بدانیم یا مرحله‌ای برای آماده شدن برای زندگی ، ناچاریم پیوند مدرسه و محیط زندگی را استوارتر سازیم و اگر علاقمند به داشتن جامعه‌ای دموکرات هستیم که بر پایه احترام متقابل و مسئولیت و مشارکت

نسبی عموم افراد پایدگداری شود باید این مفاهیم را در مدرسه به اطفال خود عملاً بیاسوزیم و فاصله بین معلم و مدیر بعنوان فرمانده و رئیس و شاگرد بعنوان فرمانبردار و سرنوس را از میان برداریم و از خودخواهی‌ها و استبدادهایی که نتایج ناگواری ببارمی‌آورد به هر ترتیب و تا آنجا که ممکن است تفاهم و احترام متقابل بوجود آوریم به این نوجوان و جوانانی که پشت نیمکت‌های دبستان و دبیرستان یا صندلیهای دانشگاه نشسته‌اند به

چشم افراد بیگانه و موجوداتی مزاحم و بی-مصرف نگاه نکنیم آنان را فرزندان خود بدانیم فرزندانی که به راهنمایی و هدایت فکری ما احتیاج دارند ، درانتظار فرصتی هستند که لیاقت و استعداد خود را نشان دهند و برای آینده این اجتماع خود را آماده سازند . این فرصت‌ها را به آنان بدهیم و یقین داشته باشیم که با این ترتیب دین خود را نسبت به شاهنشاه ، میهن و اجتماع و رستخیز ملت ایران ادا کرده‌ایم .



و آنها که به اصول دموکراسی و مشارکت در قمتندی دارند ، شرکت دانش‌آموزان و دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی و تربیتی برای آشنائی آنان با مسائل و مشکلات مربوط و پیدا کردن راه حل‌های مفید و موثر

